



پدر بزرگ مشهدی ناجی ۴ بیمار شد

دبیا | مرگ بالاخره گریبان تک تک انسان ها را خواهد گرفت و زمان آن را کسی نمی تواند بفرماید؛ اما در برخی مرگ ها فرد می تواند به نوعی زمان مرگش را انتخاب کند. بیمارانی که دچار مرگ مغزی شده و در آستانه خروج از دنیای مادی قرار گرفته اند، به نوعی می توانند بین حال یا اندکی بعد انتخاب کنند، با این تفاوت که در حال می توانند جان چند بیمار نیازمند به عضو رانیز نجات دهند. در تازه ترین جراحی اهدای عضو، غلامرضا غلامی نژاد، پیرمرد شصت ساله مشهدی در بیمارستان رضوی مشهد در پی حادثه ای دچار مرگ مغزی شده بود. در ادامه با مشاوره ای که پزشکان به اطرافیان این بیمار دادند، آن ها با اهدای اعضای قابل پیوند پدرشان موافقت کردند. در ادامه با انتقال پیکر مرحوم غلامی نژاد به بیمارستان منتصریه مشهد، او تحت عمل جراحی اهدای عضو قرار گرفت و کبد زنده یاد برای پیوند به بیمارستان بوعلی سینا شیراز ارسال شد. در ادامه قرینه های مرحوم به منظور پیوند به بانک چشم دانشگاه علوم پزشکی مشهد و قسمتی از پوست او نیز برای پیوند به بیماران بخش سوختگی به بیمارستان امام رضا(ع) مشهد ارسال شد.

پرونده روز

هلنا، دختری که از پار سال گم شده است

ایستنا | بیش از یک سال از ناپدید شدن مرمرز «هلنا»، دختر یازده ساله اصفهانی، در پارک نازوان می گذرد و همچنان هیچ اثری از او یافت نشده است؛ پرونده ای پیچیده که با اعترافات متناقض مظنون اصلی، اتهامات فراوان و انتقاد خانواده و وکیل پرونده از روند تحقیقات، به یکی از پزیراهم ترین پرونده های کودک ربایی سال های اخیر بدل شده است. ۱۰ خرداد ۱۴۰۳ بود که خبر گم شدن هلنا، دختر بیچه اصفهانی در پارک نازوان در شبکه های اجتماعی مطرح شد. امروز بعد از گذشت یک سال و اندی از آن اتفاق، برخلاف شایعاتی که گاه در فضای مجازی منتشر می شود، هنوز هیچ ردی از او پیدا نشده است. خواهر بزرگ تر این دختر بیچه می گوید: شب حادثه، «س» (داماد سابق خانواده) به بهانه آوردن وسایل شخصی من که مدت ها بود در خانه ایشان مانده بود و به خواسته و اصرار خودش، من، مادرم و خواهرم هلنا را به پارک نازوان برد. آن شب در پارک بودیم که «س» هلنا را رازی آوردن وسایل به داخل پارکینگ پارک برد. در فیلم های مدار بسته پارکینگ هم دیده شده که او یازده دقیقه بدون اطلاع ما با هلنا صحبت می کرده است که احتمال می دهم موضوع صحبتشان درباره آوردن سگ به خانه باشد؛ چون هلنا به سگ علاقه داشت. او از این فرصت استفاده کرده و با توجه به کینه ای که از من و پدرم داشته و طبق تهدیدی که گفته بود یک خونی ریخته خواهد شد، احتمالاً یلایی بر سر هلنا آورده باشد. هلنا شب جمعه گم شد. روز جمعه ما همه جا دنبالش گشتیم؛ اما «س» مدام به ما می گفت که نگران نباشید، جای هلنا امن است و چند روز دیگر کسانی که او را ربوده اند، زنگ می زنند و درخواست پول می کنند. «س» به عنوان مظنون این پرونده دستگیر شده و صحبت های متناقضی هم داشته، اما هنوز خبری از خواهر من به دست نیامده است. به گفته وکیل این خانواده، «س» که در حال حاضر در زندان به سر می برد، در اعترافات اولیه گفته است که کودک را از پارک ربوده و به اطراف جاده فرودگاه برده است، اما بعد از آن چندین اعتراف متناقض کرده و گفته است: «من دیدم دو نفر هلنا را کشتند و به او تجاوز کرده بودند. من جسد را برداشتم، روی کولم گذاشتم، با ماشین از پارک خارج کردم، به جاده فرودگاه بردم، در آنجا دفن کردم و خودم روی او خاک ریختم؛ اما چون در اعتراف دیگری گفته است: «هلنا کشته شده بود، جان در بدن نداشت و من او را در مسیر جاده فرودگاه تحویل دو نفر دادم و آن دو نفر جسد را دفن کردند.» تحقیقات جنایی درباره این پرونده پیچیده ادامه دارد.

جهان حوادث

۲۰گشته در ریزش پل در هند

مهرا پلیس محلی اعلام کرد که در پی ریزش پلی در ایالت گجرات در غرب هند، بیست نفر جان خود را از دست داده و بیش از شش نفر زخمی شده اند. این پل در سال ۱۹۸۵ روی رودخانه ماهیسارگارد منطقه دادو ادا ساخته شده است و در پی ریزش بخشی از آن پنج تا هفت وسیله نقلیه به داخل رودخانه سقوط کردند. عملیات جست و جو در محل حادثه در حال انجام است؛ زیرا دو نفر هنوز مفقود هستند. گفته می شود معمولاً کامیون های سنگین به دنبال اجتناب از عوارض در بزرگراه ملی شش بانه بمبئی - احمدآباد، از این گذرگاه استفاده کرده اند.

سوختن مرگبار یک آپارتمان در ترکیه

اینا | رسانه های محلی ترکیه اعلام کردند آتش سوزی در یک آپارتمان ۲۶ طبقه در آنکارا، منجر به کشته شدن سه نفر از جمله یک نوزاد سه و نیم ماهه شده است. آتش سوزی حدود ساعت ۱۰ شب شنبه گذشته در طبقه چهارم رخ داده و به سرعت در سراسر این ساختمان مسکونی گسترش یافته است. اطفای حریق این آپارتمان چهار ساعت زمان برده است. بر اثر این حادثه، ۳۹ نفر از جمله هفت آتش نشان، چهار مسمومیت به دلیل استنشاق دود شده اند. همچنین امدادگران به ۲۶ مصدوم در محل رسیدگی کردند، در حالی که بیست نفر دیگر در بیمارستان بستری شده بودند که حال یکی از آن ها وخیم است. دادستانی ترکیه تحقیقات برای یافتن علت آتش سوزی را آغاز کرده است.

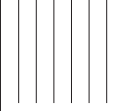
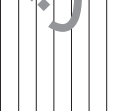
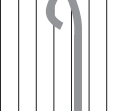
فرار زندانی فرانسوی با چمدان هم بندش

ایستنا | رسانه های فرانسه اعلام کردند که یک زندانی بیست ساله فرانسوی با پنهان شدن در چمدان هم سلولی اش که دوران محکومیت خود را به پایان رسانده بود، موفق به فرار از زندان شد. این زندانی که در حال گذراندن چندین حکم زندان بوده، از زندان «کوربا» در نزدیکی شهر «لیون» در جنوب شرقی فرانسه فرار کرده است. این زندانی فراری همچنین در پرونده ای مرتبط با جرائم سازمان یافته تحت تعقیب قرار گرفته است.



۲۲شنبه ۲۳ شهریور ۱۴۰۳

شاهکار NEWS.IR



کارگر یک گلخانه که کارفرمای پیرش را به ظن ارتباط با همسرش کشته بود، صحنه قتل را بازسازی کرد

نمی خواستم این اتفاق ها بیفتد، دیوانه شده بودم

محمدجواد ابوعطا

گزارش

«حجت. د» به همراه سه دختر و الهام، همسر جوانش، از اسفندماه سال گذشته وارد یک گلخانه بزرگ در خیابان شاهنامه ۳۶ شدند تا هم در خانه ای نقلی در کنج این باغ زندگی کنند و هم در کارهای باغبانی به «احمد. م.» کمک کنند. آن ها کارشان را در حالی شروع کردند که هم زمان با رشد گل و گیاهان متنوع درون گلخانه، مشکلات شخصی نیز میان آن ها قد کشید تا پنجم خرداد امسال این اختلافات به بار نشست و حجت در نزاعی مرگ بار، صاحب کارش را با ضربات شدید آهن به سر کشت و جسدش را نیز با فرغون به انتهای گلخانه منتقل و میان نخاله ها مخفی کرد. این متهم به قتل در ادامه با داستان سربایی به فرزند آن مقتول که دنبال پدر پیرشان می گشتند، اعلام کرده بود که حاج احمد سوار یک تویوتا هایلوکس شده و از باغ رفته است و در حالی که آن ها به همراه پلیس دنبال پیرمرد بوده اند، حجت از باغ فرار کرده بود. عصر همان روز نیز فرزندان حاج احمد که به رفتار باغبانشان مشکوک شده بودند، باگشتن درون گلخانه، پیکر بی جان پدرشان را انتهای گلخانه زیر انبوهی از ضایعات پلاستیکی و... پیدا می کنند. همان زمان با ورود قاضی صادق صفری، بازپرس جنایی، تحقیقات برای دستگیری متهم در حالی آغاز شد که او به زادگاهش در تربت جام گریخته بود. تحقیقات ادامه یافت تا اینکه کارآگاهان پلیس آگاهی مشهد موفق به ردزنی او و همسرش در یک چادر مسافرتی در کمپ غدیر مشهد شدند و آن ها را دستگیر کردند.

دربرز متهم با لباس آبی راه ران زندان به همراه همسرش که بعد از روشن شدن جزئیات پرونده آزاد شده بود، به گلخانه منتقل شدند تا تمام جزئیات این پرونده را در برابر بازپرس جنایی بازسازی کنند. با دستور مقام قضایی، ابتدا زن جوان برای نشان دادن آنچه در روز جنایت رخ داده بود، به داخل گلخانه آمد تا بعد اظهارات او و همسرش با یکدیگر تطابق داده شود.

۲ بار به من دست درازی کرد

«الهام. ت.» با اشاره به اینکه از سه ماه قبل از زمان جنایت در این گلخانه مشغول به کار شده بودند، به مقام قضایی توضیح داد: به غیر از من و خانواده ام، ابوالفضل (کارگر دیگر) هم در باغ زندگی می کرد. من با شوهرم اینجا کار می کردم و در تمام این مدت مرحوم همیشه توی دست و پایم بود. او همیشه به من پیام

اعتراف سارق نیمه شب به ۲۱ فقره دزدی



روی خط حادثه

شهرآرا | مرد جوان، مالک یک پراید بود؛ اما به جای اینکه شبیه دیگر افراد تن به کار بدهد و دست کم در شرکت های تاکسی اینترنتی مشغول به کار شود، با شنا کردن در مسیر خلاف آب قصد داشت که راه صد ساله را چند شبهه طی کند؛ اما پلیس مشهد بلافاصله جلوی حرکت او را گرفت. مأموران کلانتری شهید هاشمی نژاد هنگام گشت زنی شبانه در بولوار شهید کامیاب به راننده یک دستگاه خودروی پراید ۱۱۱ که در اطراف خودروهای پارک شده پرسه می زد، مظنون شدند. به محض نزدیک شدن خودروی پلیس، مظنون به سرقت از محل متواری شد که با سرعت عمل عوامل انتظامی پس از طی مسافتی کوتاه دستگیر و در بازرسی از خودرو یک دستگاه

می داد که بیا کارت دارم، ولی من نمی رفتم، احمدآقا مرتب مأمور می آورد که باید خانه را خالی کنید و بهانه اش این بود که حجت درست کار نمی کند؛ ولی کلا هدفش چیز دیگری بود و می گفت: «حجت برود سر گذر برای کار و تو خودت اینجا کار کن.» زن جوان هر چند برای این اظهارات هیچ شاهد و مدرکی نداشت، مدعی شد که مقتول دوبار به او دست درازی کرده است و در این خصوص ادعا کرد: یک بار جمعه بود که پسرانش درون باغ بودند. او در ورودی گلخانه مزاحم شد و چون می ترسیدم حجت بفهمد و بلایی سرش بیاورد، جیب نکشیدم و چیزی هم به او نگفتم. اتفاقاً وقتی دخترم متوجه شد، به احمدآقا پیام داد که دست از سر مادرم بردار، پدرم بفهمد اتفاق های بدی می افتد؛ اما او دست بردار نبود. الهام درباره اتفاق های روز حادثه نیز مدعی شد: من چون می ترسیدم اتفاقی بیفتد، هیچ گاه بدون حجت از خانه انتهای باغ خارج نمی شدم. روز حادثه هم با حجت وارد باغ شدیم که او به طرف انتهای باغ رفت و من وارد گلخانه شدم، اینجا مرحوم مرا گرفت کشید و اذیتم کرد. من جیب کشیدم که شوهرم با شنیدن صدای جیب آمد و با میله، یکی زد روی سرش و بعد به من گفت: «برو خانه»؛ من هم رفتم، بیست دقیقه بعد آمد و حالم را پرسید و دوباره برگشت گلخانه. من نفهمیدم چه شد و روز بعد تا شب همین جا بودم. نمی دانستم احمدآقا راکشته است. شوهرم ساعت ۳ صبح فرار کرد.

از ترس همسرم متعجب بودم «حجت. د» نیز در حالی برابر دوربین قوه قضائیه ایستاد که مدعی شد از چندی پیش متوجه ترس های بدون منشأ همسرش شده است. او در پاسخ به سؤالات بازپرس جنایی مدعی شد: ما از بیستیم اسفند اینجا آمدیم، بعد از مدتی متوجه ترس های همسرم شدم و می دیدم که تنهایی از خانه خارج نمی شود و چفتی پشت در را هر وقت نبودم، می انداخت تا کسی نتواند وارد شود. هر وقت هم می پرسیدم علت کارهایش چیست، چیزی نمی گفت. بعداً متوجه علت این کارهایش شدم. این متهم به قتل درباره روز حادثه نیز اعلام کرد: ظهر بود که داشتیم گل های کاکتوس را به حیاط خانه خودمان انتقال می دادیم که بیایند و ببرند. از خانه بیرون آمدم و گفتم می روم گلخانه که الهام هم با من آمد. فصل توت بود و من ردیف درخت های توت را پیش پیچیدم و همان طور که توت می خوردم، به طرف انتهای باغ رفتم و الهام و گلخانه رفت. من رفتم فن ها را روشن کردم که صدای جیب الهام را شنیدم. دویدم و آمدم در ورودی گلخانه، دیدم همسرم را گرفته و وضعیت مناسبی ندارد. یک میله که برای زیر گاری می گذاشتیم، کنار دستم بود. آن را برداشتم و همان طور که فحش می دادم، به مستمشان رفتم و اولین ضربه را به سرش زدم که روی زمین افتاد.

جسدش را جابه جا کردم حجت ادامه داد: وقتی افتاد، چند ضربه دیگر هم به سرش زدم. اصلاً متوجه نمی شدم. پنج ضربه زدم؛ ولی او چیزی نمی گفت. خدا بیامرز سنگین بود و به سختی او را توی فرغون انداختم و به انتهای باغ بردم و بین راه به او گفتم: «حاج احمد چقدر سنگینی»، او را به آخر باغ بردم که مقدار زیادی پارچه فرغون زیرش گیر کرد؛ همین که خواستم فرغون را بیرون بکشم، بخشی از آن شکست. بعد در حالی که هنوز خر می کرد، وسایل زیادی روی او ریختم. داشتم فرغون را درست می کردم که ابوالفضل آمد و پرسید: «اینجا چه کار می کنی؟» به او گفتم که فرغون شکسته و داشتم درستش می کردم و ساعت ۴ عصر هم زمان آبیاری باغ است، باید با هم برویم و از آنجا دور شدیم. متهم در پاسخ به اینکه «آیا پشیمانی؟»، پاسخ داد: من سه تا دختر دارم و نمی خواستم این اتفاق ها بیفتد. اصلاً فکرش را نکردم بودم، اما وقتی زنم را در آن شرایط دیدم، دیوانه شدم و نفهمیدم چه می کنم. با دستور قاضی صفری در حالی بازسازی صحنه جنایت تمام شد که پیش از این فرزندان مقتول علت اختلاف میان حجت و پدرشان را سرقت کالاهای انبار گلخانه از سوی این کارگر اعلام کرده بودند؛ تاجایی که مقتول قصد داشته است آن ها را از گلخانه بیرون کند.

وجه نقد به صورت دسته بندی شده کشف کرد. متهم پس از انتقال به مقر انتظامی در چند مرحله بازجویی و مواجهه با ادله و مستندات کشف شده در برخی سرقت ها به چهارده فقره جیب بری از شهروندان بولوار کامیاب، عبادی، خواجه ربیع، اینارگران و آبکوه و فروش اموال در روز بازارهای سطح شهر مشهد اعتراف کرد. در ادامه متهم به دادسرا معرفی شد.

مهاجرت به مشهد برای سرقت

دبیا | زن جوان از اهالی یکی از استان های جنوب شرقی کشور بود که از چندی پیش برای سرقت به مشهد آمده است و اقدام به جیب بری از زنان می کرد. او با تردد در هسته مرکزی شهر و شناسایی سوزده هایش به آن ها نزدیک شده و با بردن دست به جیب این افراد از آن ها دزدی می کرده است. با اعتراض شهروندان نسبت به این سرقت ها، تیمی ویژه از مأموران کلانتری بانوان، رسیدگی به پرونده را آغاز کرد. مأموران با بررسی اظهارات مال باختگان و بازبینی تصاویر ضبط شده در دوربین های مدار بسته، مشخصات ظاهری سارق زنی سابقه دار و غیر یومی را به دست آوردند و تحقیقات میدانی خود را برای دستگیری این فرد آغاز کردند. تیم نامحسوس کلانتری بانوان پس از چند روز گشت زنی در مناطق آسیب پذیر سرانجام متهم را در حال پرسه زنی در یکی از مراکز تجاری مشاهده و در حال سرقت دستگیر کرده و در بازرسی از او دو دستگاه تلفن همراه مسروقه و مقادیری

تصادف با مادی مرگبار در بولوار سجاد

دبیا | ساعت های پایانی شب و در بامداد که خیابان ها خلوت می شود، انگار برخی راننده ها قصد دارند از ترافیک و شلوغی روز انتقام بگیرند و بدون توجه به اینکه تصادف های بامدادی معمولاً مرگبارتر هستند، با سرعت های عجیبی رانندگی می کنند؛ غافل از اینکه اگر حادثه ای برایشان رخ دهد، مطمئناً اتفاق های تلخی برایشان رخ خواهد داد. یکی از این تصادف های بامدادی در تقاطع بولوار سجاد با اخوان ثالث رخ داد و یک موتورسیکلت و سواری پژو با یکدیگر برخورد کردند. در بررسی عوامل انتظامی مشخص شد موتورسیکلت به راکبی مردی جوان به عقب یک دستگاه سواری پژو که در همان مسیر در حرکت بوده، برخورد کرده است. در این حادثه متأسفانه راکب بیست و یک ساله موتورسیکلت به علت شدت جراحات وارده پس از انتقال به بیمارستان فوت کرد. علت دقیق حادثه توسط کارشناسان پلیس راهور در دست بررسی است.

جدول ۳۳۲۷											
کار مزد	از بزرگوارات	سیر شیر خوشبخت درک کردن	هواپسای درخت	ر ک	خ ر	پس ر	نظرها و انتقادهای خود را درباره مطالب روزنامه با ما در میان بگذارد.	شماره ۵-۰۵۱۰۰۰			